

## روش نصرت آور و هابیان

وظیفه هر مسلمانی است که آیین مقدس اسلام را پس از فراگیری درست، تبلیغ کند. و تبلیغ دین، شاخه‌ای از امر به معروف است که به صورت واجب کفایی بر همگان واجب می‌باشد.

در حالی که تبلیغ يك امر مقدس و فریضة اسلامی است، ولی برای خود، آداب و شرایطی دارد که دانشمندان آنها را تحت عنوان «أدب الدعوة» بیان کرده‌اند. یکی از شرایط مهم آن، این است که انجام دهنده آن برای پیشبرد هدف، از وسیله پاک و مقدس بهره بگیرد و از هر نوع دروغ و تزویر بپرهیزد و بر اصل غلط «هدف، وسیله را توجیه می‌کند» خط بطلان کشد.

متأسفانه در گذشته، در جهان اسلام، دارندگان زر و زور که ادعای مناصب دینی داشتند، پیوسته زیر پوشش‌های دینی، به اهداف خود جامه عمل می‌پوشاندند، که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

### ۱. جعل حدیث از لسان رسول خدا ﷺ

یکی از روش‌های رایج - پس از رحلت پیامبر اسلام ﷺ - که در خدمت فریبکاران و سلطه‌جویان قرار گرفت، بستن دروغ بر پیامبر اکرم ﷺ و جعل حدیث از زبان او بود، تا آنجا که خود پیامبر ﷺ هشدار داد و فرمود:

«من کذب علی فلیتبوء مقعده من النار»<sup>(۱)</sup>.

«هر کس آگاهانه بر من دروغ ببندد، بداند که جایگاه او در دوزخ است».

ولی این هشدار در قلوب سنگدلان و دنیاپرستان مؤثر نیفتاد و جعل حدیث پس از درگذشت او، آن چنان رایج شد که شناسایی حدیث واقعی در میان حدیث‌های دروغین، با مشکلات زیادی مواجه گشت. همین بس که تاریخ، فزون‌تر از هفتصد هزار جاعل حدیث گزارش داده و نام و مشخصات آنان را ضبط کرده است.<sup>(۲)</sup>

## ۲. تحریف در شان نزول آیات قرآن

قرآن که معجزه جاودان پیامبر ﷺ و چشمه جوشان معرفت و یگانه کتاب سراپا اعجاز الهی است، هرگز دستخوش تحریف نشد و الفاظ آن بی کم و کاست با تلاش فراوان قاریان و حافظان، محفوظ ماند، ولی بازرگانان حدیث و دنیاپرستان عالم نما و حاشیه نشینان قدرت‌ها، به نوعی می‌کوشیدند در تفسیر و بیان معانی آن دست ببرند و آیات آن را به سود خود تفسیر نمایند.

مفسران می‌نویسند: شبی که سران بت‌پرست فریض تصمیم گرفتند نیمه شب به خانه پیامبر بریزند، و در درون خانه، به زندگی او خاتمه دهند، علی ﷺ از طرف پیامبر مأمور گشت که در رختخواب پیامبر بخوابد و پیامبر خانه را به قصد مهاجرت به مدینه ترک کند. در مورد این ایثار و فداکاری آیه دویست و هفت سوره بقره نازل گردید و فداکاری علی ﷺ را تحسین نمود:<sup>(۳)</sup>

﴿وَمَنْ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَؤُوفٌ بِالْعِبَادِ﴾.

«برخی از مردم جان خود را به بهای خشنودی خدا می‌فروشند، خداوند بر بندگان مهربان است».

۱. صحیح بخاری: ۱، باب إثم من کذب علی النبی، حدیث شماره ۱۰۷، و در حدیث ۱۰۸: من تعمد

علی کذباً فلیتبوء مقعده من النار، و در حدیث ۱۰۹: من یقل علی ما لم أقل فلیتبوء مقعده من النار.

۲. تفسیر ثعلبی: ج ۲، ص ۱۲۵-۱۲۶.

۳. الغدیر، ج ۵، ص ۳۰۱-۴۴۶.

سمره بن جندب، عنصر جنایتکار عصر اموی، با گرفتن چهارصد هزار درهم حاضر شد نزول این آیه را درباره علی علیه السلام انکار کند و در يك مجمع عمومی بگوید که آیه درباره عبدالرحمان بن ملجم نازل شده است! وی نه تنها نزول این آیه را درباره علی علیه السلام انکار کرد بلکه افزود که آیه دیگری (که درباره منافقان است) درباره علی علیه السلام نازل شده است. <sup>(۱)</sup> آیه مزبور این است:

﴿وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يُعْجِبُكَ قَوْلُهُ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيُشْهَدُ اللَّهُ عَلَىٰ مَا فِي قَلْبِهِ وَهُوَ أَلَدُّ الْخِصَامِ﴾. <sup>(۲)</sup>

«گفتار برخی از مردم تو را به تعجب وامی دارد و خدا را بر آنچه در دل دارد گواه می گیرد. (تو فریب ظاهر گفتار او را مخور، زیرا) وی از سخت ترین دشمنان است.»

چنین تحریفی از «سمره» بعید نیست. وی در دوران استانداری زیاد در عراق، فرماندار بصره بود و به سبب عنادی که با خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله داشت هشت هزار نفر را به جرم ولایت و دوستی با علی علیه السلام کشت. وقتی زیاد از وی بازجویی کرد که چرا و به چه جرأتی این همه افراد را کشته است و هیچ تصور نکرده که در میان آنان بی گناهی وجود داشته باشد، وی با کمال وقاحت در پاسخ گفت: «لَوْ قَتَلْتُ مِثْلَهُمْ مَا خَشِيتُ»: «من از کشتن دو برابر آنان نیز باکی نداشتم»! <sup>(۳)</sup>

### ۳. جعل فضایل و مناقب

برخی از زمامداران ناشایست برای قداست بخشیدن به کار خود، برخی را می خرید تا درباره او و خاندانش به جعل فضایل پردازند، و آن سلطه گر و خاندان او را از لسان رسول خدا تقدیس نمایند. معاویه که شاخه ای از خاندان «اموی» است به خاطر پیوندش با عثمان، گروهی را واداشت تا درباره فضایل عثمان احادیثی از لسان رسول خدا نقل کنند.

۱. شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۴، ص ۷۳.

۲. بقره: ۲۰۴.

۳. تاریخ طبری، ج ۴، ص ۱۷۶، حوادث سال پنجاهم هجری، مؤسسه مطبوعاتی اعلی.

خودفروختگان در این مورد آن چنان فزون از حد، به فضیلت تراشی پرداختند که سرانجام معاویه از آن جلوگیری کرد و گفت: باید مقداری هم در فضایل شیخین احادیثی نقل کنید.<sup>(۱)</sup>

#### ۴. انکار فضایل خاندان رسالت

اگر جعل فضایل یکی از شگردهای این گروه است، شگرد دیگر آنان انکار فضایل واقعی، خصوصاً فضایل امیرمؤمنان است که با احادیث صحیح و متواتر نقل شده است، و احمد بن تیمیه قهرمان میدان انکار فضایل است، تا آنجا که ابن حجر عسقلانی می گوید: ابن تیمیه در مناظره با ابن مطهر (علامه حلی) از حد تجاوز کرده و احادیث صحیحی را انکار کرده است، از آن جمله در کتاب «منهاج السنة» از روی لجاجت، بسیاری از فضائل امام علی علیه السلام را رد کرده و آنها را دروغ خوانده است در حالی که محدثان بزرگ اهل سنت به نقل آنها پرداخته اند مانند:

#### الف. برادری پیامبر صلی الله علیه و آله با علی علیه السلام، حدیث «مؤاخاة»

پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله آن گاه که برخی از یاران خود را با برخی دیگر، برادر خواند، علی را برادر خود معرفی نمود. ابن حجر<sup>(۲)</sup>، انکار ابن تیمیه را به شدت رد کرده و فلسفه چنین اخوت را بیان نموده است.

#### ب. علی علیه السلام محور حق است

حدیث «علیٌّ مع الحقِّ والحقُّ مع علیٍّ» که در مسائل عقیدتی و اجتماعی و سیاسی، امام را محور حق معرفی می کند، از احادیثی است که ابن تیمیه به خاطر دوری از اهل بیت آن را انکار کرده، در حالی که محدثان بزرگ آن را نقل کرده تا آنجا که رازی در تفسیر خود آن را متواتر دانسته است.<sup>(۳)</sup>

۱. شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۱۱، ص ۴۶. ۲. فتح الباری، ج ۷، ص ۲۷۱.

۳. مفاتیح الغیب، ج ۱، ص ۲۰۵.

این دو نمونه را یادآور شدیم تا روشن شود که برخی، چگونه در تبلیغ آیین به تکذیب فضایل مسلم می‌پردازند.

### ۵. ایجاد دو دستگی در صفوف پیروان حق

یکی از شگردهای آنان برای تثبیت مقام و موقعیت خود، ایجاد اختلاف در صفوف یاران علی علیه السلام بود. آنگاه که می‌رفت که نبرد در صفین به نفع امام تمام شود، عمروعاص برای ایجاد اختلاف در صفوف یاران علی، سیاست «قرآن بر نیزه» را در پیش گرفت و از همین طریق، شدیدترین دو دستگی را در میان یاران علی علیه السلام پدید آورد و گروهی که بعدها نام «خوارج» به خود گرفتند امام را به پذیرش دعوت طرف مخالف وادار و او را به پذیرش صلح مجبور ساختند و سپس خود آنان از پذیرش صلح پشیمان شدند، و از امام خواستند که پیمان خود را بشکنند و سرانجام امام علیه السلام قربانی این اختلاف گشت.

ما در این جا به همین اندازه اکتفا می‌کنیم و بیان دیگر شگردها را به وقت دیگر موقوف می‌کنیم.

### ۶. نشر کتاب به نام شخصیت‌ها

یادآور شدیم که تبلیغ دین، باید با راستی و درستی و روش‌های پاک صورت بگیرد و یکی از زشت‌ترین روش‌های تبلیغ این است که انسان کتابی را در عقاید خود بنویسد و آن را به نام دیگری منتشر کند تا از وجهه و محبوبیت او در نشر اندیشه‌های سوء استفاده کند.

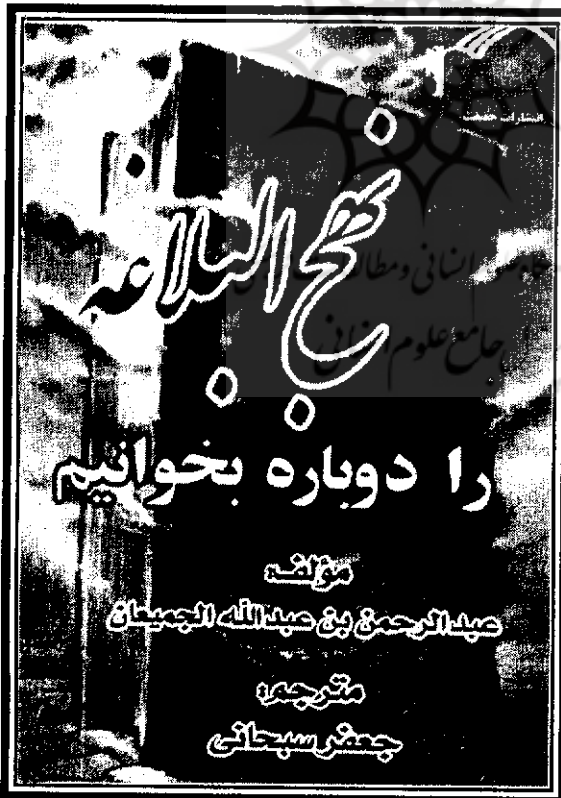
از نمونه‌های آن کتاب «الشیعہ والتصحیح» است که توسط وهابیان به نام «سید موسی موسوی» منتشر و از این طریق خواستند که از نام و نشان این مرد که نوه مرجع بزرگ مرحوم آیت الله اصفهانی است در نشر مقاصد خود بهره بگیرند. کسانی که با این مرد در حال حیاتش رابطه دوستی داشتند، انتساب این کتاب را به او نفی کرده و آن را دروغی آشکار می‌شمارند.

این نوع تزویر در تبلیغ حاکی از آن است که وهابیان، در تبلیغ عقاید خود به دریاورگی

افتاده‌اند و می‌خواهند با هر نوع فریب و نیرنگی آیین خود را تبلیغ کنند، در حالی که نمی‌دانند با این کار تیشه بر ریشه خود زده و در نتیجه ناکام خواهند شد.

چندی پیش کتابی در کشور عربستان سعودی به نام «تأملات فی نهج البلاغة» منتشر شد و قاضی قطیف به نام شیخ صالح درویش بر آن تقریظی نوشت، اینجانب نقدی بر آن کتاب نوشته و طرف سخن را نویسنده تقریظ قرار دادم و کتاب به نام «حوار مع الشیخ صالح درویش» منتشر گردید، خوشبختانه به زبان فارسی نیز ترجمه شد.

از آنجا که کتاب یاد شده در کشور سعودی تکثیر گردید وهابیان به دست و پا افتاده‌اند که این ناکامی را جبران کنند و کتابی به نام «قراءة راشدة لکتاب نهج البلاغة» به قلم عبدالرحمن بن عبدالله الجمیعان منتشر کردند و برای فریب دادن زائران ایرانی ترجمه آن را به عنوان «نهج البلاغة را دوباره بخوانیم» منتشر و نام مترجم را جعفر سبحانی معرفی کردند.



در شناسنامه این کتاب، نه نام چاپخانه و نه مرکز نشر آمده است، و نه تاریخ انتشار دارد، آنان در نشر این کتاب به اندازه‌ای شتابزده بوده‌اند و ناشیانه عمل کرده‌اند که در روی جلد از کتاب به عنوان «نهج البلاغة را دوباره بخوانیم» نام برده‌اند، اما در صفحه سوم نام کتاب را «همگام با نهج البلاغة» آورده‌اند و شیوه حروف چینی و صحافی حاکی از آن است که در خود عربستان حروف چینی و صحافی شده است.

این نوع کارها مصداق جمله: «الحمد لله الذی جعل أعدائنا حمقاء» می باشد، زیرا این کتاب به دست هر فردی بیفتد با شناختی که از اینجانب دارد، می داند که این کار جز حيله و تزویر کار دیگری نیست و طبعاً نه تنها از کتاب اثر نمی پذیرد، بلکه در ایمان و اعتقاد خود بر راه و روش امام علی علیه السلام راسخ تر می گردد.

چنان که گفته شد هر چند نام چاپخانه و ناشر روی جلد کتاب نیست، اما چون در سال جاری (۱۳۸۵) در ایام حج در کشور عربستان به وسیله مبلغان رسمی منتشر می شد اینجانب حق اعتراض شرعی و قانونی را برای خود محفوظ می دارم.

چندی قبل، کتابی در عربستان سعودی پیرامون گفتگوی ابن تیمیه با علامه حلی، منتشر شده و من از خواندن آن کتاب، انگشت تعجب به دندان گرفتم که چگونه مطالب سست به علامه نسبت داده شده و شأن علامه که از نظر ذکاوت و تیزهوشی و ژرف نگری، ضرب المثل دانشمندان جهان اسلام است، این گونه با ابن تیمیه به مناظره پرداخته است؟ ابن حجر در کتاب «تهذیب» و «لسان المیزان»<sup>(۱)</sup> درباره علامه می نویسد: «كان آية في الذكاء».

این نوع عملکرد، حاکی از آن است که یا در اصل مناظره دست برده اند، یا سراپا مجعول است.

همه اینها ما را به مطلبی دیگر راهنمایی می کند که نباید به مدارک و مصادری که در کتاب های خود برای ادعاهای خویش ارائه می کنند، اعتماد نمود، بلکه باید با شك و تردید در آن نگریم.

﴿قُلْ هَلْ نُنَبِّئُكُمْ بِالْأَخْسَرِينَ أَعْمَالًا الَّذِينَ ضَلَّ سَعِيَّهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا﴾<sup>(۲)</sup>.

۱. لسان المیزان، ج ۱۳، ص ۸۵، شماره ۷۹.

۲. سوره كهف، آیه ۱۰۳-۱۰۴.